



داشتند ، سود برد اما باوجود تلاشهای تشکل های وابسته به حکومت، بمنظور جلوگیری از برگزاری تظاهرات مستقل دانشجویان بمناسبت قیام ۱۸ تیر ۷۸ و با وجود بسیج وسیعترین نیروی سرکوب از سوی رژیم در اطراف دانشگاه و محل برگزاری تجمعات، دانشجویان و سایر اقشار مردم به اقدامات شدید امنیتی رژیم توجه نکرده و در هر جا که میتوانستند دست به تجمع اعتراضی زده و به دادن شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه پرداختند ،

بقیه در صفحه ۶

دانشجویان عزیز! راه سومی وجود ندارد!

روز هیجدهم تیر ماه امسال همانطورکه قابل پیش بینی بود رژیم تمام کوشش خود را به کار بست تا از برگزاری تظاهرات و اعتراضات دانشجویی جلوگیری کند در این رابطه نه تنها تمامی نیروهای انتظامی را به کار گرفت بلکه از نیروهای نامرئی خود نیز که به لباس شخصی ها معروفند و در سرکوب دانشجویان در ۱۸ تیر ماه ۷۸ نقش موثری

حمایت از مبارزات کارگران یک وظیفه انسانی و انقلابی است! از مبارزات کارگران دفاع کنید !

مبارزات کارگران برعلیه تعرضات بیرحمانه دولت و مافیای پول و ثروت، بنحو غیرقابل توقفی ادامه دارد. مبارزه ای که هر قدم آن احقاق حقوق و پاسداری از شرف و رنج همه انسانهای در بندی است که علیرغم کار و زحمت طاقت فرسای روزانه همچنان درچنگ مشکلات اقتصادی و معیشتی و اجتماعی ناشی از نظام حاکم گرفتار هستند. تنها در طی سه روز گذشته صد ها کارگر کارخانه های کشور از جمله کارگران شهرداری ، صنایع فولاد ، صنایع فلزی و کفش و غیره با دست زدن به اعتصاب ، اعتصاب تظاهراتی و بستن خیابانها و غیره خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند . این کارگران علاوه بر درخواست پرداخت حقوق های معوقه، مسائل و مطالباتی را مطرح میکنند که با سرنوشت اقتصادی و سیاسی اکثریت مردم کشور گره خورده است ، کنترل وضعیت مالی کارخانه ها و موسسات ، پایان دادن به بلاتکلیفی که سرمایه داران خصوصی بر کارخانه ها حاکم کرده اند ، مشکل بیمه های اجتماعی ، بیکاری و سطح حقوق ها و غیره مطالباتی نیست که فقط خود کارگران از آن بهره مند شوند، بلکه این مطالبات با زندگی میلیونها نفر سر و کار دارند . لذا حمایت از مبارزات کارگران حمایت از منافع عموم مردم زحمتکش ایران است ، به مبارزات کارگران بپیوندیدو به آن یاری رسانید. تنها قدرت لایزال کارگران است که قادر است پشت ارتجاع حاکم را بر زمین زده و آزادی ، عدالت ، رفاه و برابری را به ارمغان آورد . ما همه مردم زحمتکش و بویژه جوانان و دانشجویان و دانش آموزان را به حمایت از مبارزات کارگران فرامیخوانیم .

سرتیون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران !

آخرین دیدار! با سالار شاعران خفته در خون! سعید سلطانپور!

امشب عروسی سعید است برنامه ات چیه ؟ در یکی از نشست های سازمان بودیم ، فکر میکنم تدارک برگزاری اول ماه مه بود. داشتیم پراکنده میشدیم . گفتم : سری میزنم ، قرار است فردا جشن خودمانی بشود ، امشب عمومی است . گفت : شاید من هم آمدم .

عصر بود که راه افتادم وقتی به نزدیکیهای محل رسیدم اطراف خانه را بررسی کردم . همه چیز معمولی به نظر می آمد. وانت را در کوچه پشتی پارک کردم و قاطی افراد یک خانواده که آنها هم مهمان بودند وارد حیات شدم. بعد دور و برخودم را ورناداز کردم ، متوجه شدم که خانه در تسخیر پاسداران است.دونفر پاسدار مسلح توی بالکن ایستاده بودندفرمانده شان درحیات قدم میزد.

بقیه در صفحه ۶

یادداشتی از رفیق یدی بمناسبت بیستمین سالگرد جان باختن رفیق سعید سلطانپور منتشره در نشریه آرش

خسته از دویدن های پهراس روزانه در مخفی گاهی نشسته ام و به اخبار رادیو گوش میدهم . ساعت دوازده شب سی ام خرداد ۱۳۶۰ . خبر تیرباران سعید و عده ای دیگر از مبارزین راه آزادی جزو آخرین خبرهاست . درکنج اتاق میشیشیم و دستهایم دور زانویم گره میخورند. به دیوار روبرو خیره میشوم . مدتی است که سرکوب عریان آغاز شده است . حوالی عصر یکی از روزهای نیمه آخر فروردین ماه سال شصت ، شاید بیست و ششم و یا بیست و هفتم این ماه بود، دقیقا یادم نیست ، محسن شانه چی گفت :

کارگران ، جوانان ، دانشجویان ، زنان ، سربازان وظیفه ،

پرسنل انقلابی و مردم زحمتکش ایران !

مافیای قدرت و ثروت ، آنهایی که خون مردم را در شیشه کرده و با

اتکا به قدرت سرکوبگر دولتی میلیاردها دلار از دسترنج شما را به

جیب میزنند، دشمن آزادی ، رفاه و پیشرفت و تمدن هستند ،

با شناسائی ، افشای آنان، مبارزه برای آزادی و برابری را گسترش

دهید!

ملت ایران برای اینکه به آزادی برسد و برای اینکه جمهوری اسلامی را از

میان بردارد ، باید قدرت مافیای مالی پشتیبان آنها را هم در هم شکند.

کار، مسکن، آزادی، جمهوری شورایی!

برگشتم دوپاسداربغل درپشته دیوارایستاده بودند گویا دونفر هم در داخل سالن بودند و مانع خروج آهنگ معروف آذربایجانی بنام «اوشاری» با تلفیقی از « جنگی کوراوغلی» که هر موجود زنده ای را به شور و شوق و تحرک وامیدارد، فضا را پر کرده بود. پوستم از شوق کشیده شد. عاشق عبدالعلی با گروه همراهش بودند که میزدند. می شناختمشان. درد دل گفتم ناز شستت عبدالعلی با این وقت شناسی ات، چه انموقع که در مقابل تهدیدات ساواکیها در دانشگاه علم و صنعت نارمک با آهنگ «آل بایراق» (پرچم سرخ) زدی توی دهنشان و چه حالا که در مقابل سایه سرد و سیاه پاسداران مسلسل بدست با اجرای یکی از زیباترین و حماسی ترین آهنگهایت به مجلس شادی و گرما میبخشی.

در این لحظه بچه ها متوجه حضور من در حیات شدند، من قبل از هر چیز به فکر سعید و نه تنها سعید بلکه افراد دیگری که حدس میزدم در مجلس حضور داشته باشند و نیز رفتاتی که ممکن بود بعدا بیابند، بودم که در صورت دستگیری خطر زندان و اعدام تهدید شان میکرد. بعد از اینکه حیات و دیوارها و تعداد و موقعیت پاسدارها را از زیر نظر گذراندم، و سرم را برگرداندم به طرف سالن، از پشت پنجره یک لحظه سعید را دیدم آردور قیافه اش نشان میداد که مثل آهوی ختن عزم رمیدن دارد!

و بعد بهروز و نسیم آمدند دم در سالن که من هنوز وارد نشده بودم و بعد قزل و بچه های دیگر، سریع پرسیدم تصمیم چیست؟

دونظر بود، عده ای متوجه که رژیم را باورداشتند مخالف هرگونه نقشه گریزی از این مهلکه بودند. و میگفتند « چیزی نیست میبرند و یک چیزهایی میپرسند و ولش میکنند!» و عده ای دیگر موافق اینکه باید نقشه ای برای فرار کشید، با قزل صحبت میکنم، بازویم را میکشد و میگوید: نرو توی سالن، هنوز نشناختنش!

عرق پیشانیم را با پشت کلام پاک میکنم و میگویم یکجوری باید ببریمش بیرون اگر ببرندش عاقبت کار معلوم نیست.

گفت: باید راهی پیدا کرد، میترسم تیراندازی بکنند و جماعت را لت و پار بکنند.

قرار شد هرطور شده برگردم بیرون و دیگران را خبر کنم، قبل از اینکه نقشه رفتن را بکشم سرم را برگرداندم بطرف سالن تا یک بار دیگر سعید را ببینم، از قزل پرسیدم، نمیتوانم یک دقیقه با او حرف بزنم؟ گفت نه در آنصورت احتمال شناخته شدنش هست، از دور صدای ساز و آواز عاشق میامد « اوجاداغلاز باشین قار آلدی گتدی ..» و هر لحظه جنب و جوش در سالن بیشتر میشد، یک بار دیگر نگاهم در نگاه سعید گره میخورد. دنبال راه گریز میگردید.

به هر ترتیبی شده خودم را به بیرون میرسانم به کمک یکی از رفقا که تازه رسیده چند جوان را سر کوچک و

خیابان میگذاریم. میبایست در حد امکان دیگران را هم خبر میکردیم تا توی تله نیافتند.

در این فاصله سعید را میشناسند و میخوانند که با آنها به کمیته مرکزی برود. مهمان ها همگی همراهی اش میکنند، همه میخوانند با او به کمیته



بروند.

پایش را که از حیات بیرون میگذارد پاسدارها شروع به تیراندازی میکنند، مهمان ها وحشت زده کنار میکشند. سعید و تازه عروس را به زور سوار ماشین میکنند و میبرند و بعد تیرباران!

به آینده و سرنوشت مردمی میاندیشیم که سالهای متمادیست در راه آزادی و برابری مبارزه کرده و در این راه هزاران هزار شهید برجای گذاشته اند، زندان کشیده اند، شکنجه دیده اند گرسنگی و آوارگی را متحمل شدند. اما هر بار که برخاستند تا خانه ظلم و ستم را ویران کنند با خیانت و خباثت طبقات دارای جامعه و خود فروختگان سیاسی و فرهنگی در خدمت این طبقات مواجه شده و مبارزاتشان با شکست های سهمناکی روبرو شده است و سپس به نسیمی ها، عشقی ها، فروغی ها قرت العین ها و... فکر کردم و به سعید و روزهایی که باهم به آذربایجان سفر کردیم و کردستان، برای دیدن کاک فواد و رفقا و نارفتقان دیگر، سفر خراسان، تبریز و دامنه های سیلان، کنار جلفا، نه اوزنده است! تصویر رقصنده اش بر دیوار روبرویم در پشت پرده اشک تار مینماید. نه او نمرده است مگر میشود آنهمه احساس را به بند کشید؟

انگار هموست که با اشعار و ترانه های زیبایش در دامنه های سیلان و در کرانه های ارس مرا همراهی میکند

« الا ای کوهسار خفته برخیز

**با کمک های مالی
خود ما را در پیشبرد
وظایف انقلابی مان
یاری رسانید!**

به دامن لاله و ریحان بیابیز
!.....

اگر فصل زمستون برگ باره
نگاه کن! نوبهارون لاله زاره
زهر کوچه خلاق دیر یا زود
گل آزادی از آتیش بباره

کنار ارس به یاد صمد ترانه زمزمه میکند « صمد در
قلب من است »

به زن پنجه بباغ اون زولف تار رو
پریشون کن دوزلف سوگوار رو
بجرم عاشقی بر دار بستند
بباغ اون بلبل گل نغمه خون رو

، بوستان حمزه عمو در کرانه دریاچه اورومیه مثل پرده سینما از مقابل چشم میگذرد، استپ های بیکرانی که کوه های منتهی به « قلیچ بورنی» را مثل ابروی دختران زیبای «دانالو» به چشمه سار دریا وصل میکنند، او، این شاعر همیشه انقلابی این شاعر دلسوخته کارگران و زحمتکشان، شاعر آزادی و انسانیت در همین جا در بوستان پیرمر فقیر شیشوانی بخاطر جیغ خرگوشی که او را بیاد شکنجه گاه اوین انداخته بود، ساعتها گریه کرد. چگونه میتوان بر روی چنین انسانی اسلح کشید و شلیک کرد؟ او که آزارش به یک مورچه هم نرسیده بود انسانی که عاشق آزادی بود و عاشق زندگی بود! تمام لحظات خاطراتم، از آن لحظه ای که « جزوه نوعی از هنر و نوعی از اندیشه» را به من داد تا آخرین دیدار در آن « عروسی خون» همچون پرده سینما از جلوی چشم میگذرد و چه لحظات شور آفرین، زنده، و سرشار از زندگی و محبت و انسانیتی.

گره دستهایم را از دور زانوانم باز میکنم. بلند میشم. گره های زیادی را باید از کارهاگشود. سعید های دیگر منتظرند. سعید را نمیتوان کشت، سعید میماند، سعید های دیگر هم، این کاروان تا آزادی خواهد رفت.

یدی خرداد ۱۳۸۰

**زندانیان سیاسی
آزاد باید گردند!
زندانهای سیاسی
در سرتاسر
مملکت ویران
باید گردند!**

بقیه از صفحه ۵

مبارزاتی این جنبش را محدود کرد.

تفاوت در گرایش جنسی، تعلق ملی طبقاتی و غیره در عین اینکه باعث رنگارنگ شدن تابلوی زیبای جنبش زنان میشود، در عین حال باعث کنش و واکنش های مختلف که از تفاوت علایق و منافع است میگردد چنین تفاوت هایی را میتوان با ایجاد مراکز ی که ثقل حرکت خود را بر خواسته های مشخص متمرکز میکند و یا بادیگر اشکال، تضمین حقوق گرایشات مختلف را به سادگی به نقطه قوت این جنبش بدل کرد.

در مورد اهداف و خواسته ها، ما آنرا به چهار بخش تقسیم بندی کرده ایم بدون اینکه فورمول خواسته های مشخص روز را مد نظر داشته باشیم.

۱- در قلمرو زندگی خصوصی، بایستی اندیشه ای را که بین زندگی خصوصی و زندگی اجتماعی دیوار چین بنا میکند، کنار گذاشت. زندگی صدها و هزاران زن ایرانی نمایان گر آن است که نمیخواهند به شیوه مادران خود زندگی کنند.

۲- در حوزه فرهنگ: زنان دربرخوردهای مردان و تعرض جنسی شان به زنان مقاومت نموده و اینجا و آنجا آنها را به عقب نشینی واداشته اند. حضور چهره زن در بسیاری آثار ادبی و هنری و پرداختن به مسئله زن از سوی جریانات مختلف اثبات این مدعاست.

۳- در عرصه مبارزه برضد سلطه جنسی «تجاوز» خشونت علیه زنان در یک کلام برای رهائی جنسی زنان. در این عرصه مثالها آنقدر زیادند و جنبش زنان آن چنان در مقابله جدی با این پدیده ها ناتوان که باعث تاسف است و جای تامل بیشتر را باز میگذازد. زنان ایران بسیاری در خارج کشور توسط شوهرانشان کتک خورده مورد خشونت و آزار قرار میگیرند و همه این ها در اکثر موارد در پشت درهای بسته و در حیطه باصلاح خصوصی باقی میمانند.

۴- در عرصه مشارکت در زندگی سیاسی: این امر بطرق مختلف بایستی در خدمت دگرگون کردن مفاهیم در عرصه سیاست و تاثیر گذاری زنان باشد. در مسئله قدرت سیاسی حضور زنان در معادلات سیاسی و ... بحث ها ضروری است.

ادامه گزارش در شماره بعدی درج خواهد شد با این توضیح که در صورت دریافت کامل نقطه نظرات هر یک از سخنرانان آنها را بطور کامل در شماره های آینده درج خواهیم کرد در اینجا تنها به خلاصه ای از گزارشات موجود اکتفا شده است.



بقیه از صفحه ۱
آنها در مقابل حکومت نظامی اعلام نشده رژیم تاکتیکیهای مناسبی اتخاذ نمودند و با تشکیل دسته های چند نفره و سایر اقدامات بالاخره توانستند صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. در این رابطه نیروهای انتظامی، انصار حزب اله و نیروهای سپاه و وزارت اطلاعات که در محل حضور داشته و خیابانها را قرق کرده بودند هرجمعگی ولو کوچک را مورد یورش قرار میدادند، عده زیادی را دستگیر و روانه بازداشتگاه ها نمودند. این حرکات اعتراضی البته محدود به تهران نبود بلکه مراکز دانشگاهی در اکثر شهرها به هر نحوی که شده بود در اعتراضات این روز شرکت کردند و اکنون چندین روز است که دانشجویان با دست زدن به تجمعات اعتراضی خواستار آزادی ده ها نفر از جوانان و دانشجویانی هستند که در روز ۱۸ تیر در تهران و شهرستانها دستگیر و روانه زندانها شده اند.

همانطور که ما بارها گفته ایم واقعیت این است که جنبش دانشجویی مادامی که خود را از چنبره جناح بندی های درون رژیم و گروه ها و احزابی که بخطر رسیدن به کرسی های وزارت و وکالت خود را همراه دانشجویان مینمایانند، خلاص نکنند و مادامی که با جنبش کارگری و توده های زحمتکش مردم پیوند برقرار نکرده اند با مشکلات عدیده ای روبرو بوده و چه بسا جنبش و تلاشهای آنها وجه المصلحه جناح ها و باندهای قدرت طلب قرار گیرد، همانطور که در جمع بندی خود از جنبش مستقل دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸ گفتیم (رجوع شود به جهان کمونیستی شماره ۱۰) دانشجویان بالاخره ناچارند به یکی از دوطرف دعوا بپیوندند. ماندن در کنار حاکمیت ارتجاع طبقات ثروتمند حامی آن و کمک به آنها در جهت سرکوب آزادیها و حقوق اقتصادی و سیاسی اکثریت مردم و مشارکت در غارت و چپاول آنها و یا ماندن در کنار کارگران و زحمتکشان و یاری رساندن به آنها، راه سومی وجود ندارد.

کارخانه ها شیرخورگاه درست کرده اند ولی آنها زیر استاندارد هستند. در محیط کارخانه مردان کارگر حتی از راه رفتن زنان ایراد میگیرند. این مشکلات در کارگاه های کوچک بدتر است کارفرما حتی از زنان کارگر سواستفاده جنسی میکند.

بعد جمیله نائی رشته سخن را بدست گرفت او که در تهران، لندن و پاریس تاتر و سینما خوانده از جمله گفت « تن من به خودم تعلق دارد » سرمنشا بحث در بسیاری از امور زنان است. این شعار برخلاف شعار « یا روسری یا توسی » است که به خلوت زن یورش میبرد او در بخش دیگر به تفاوت تشکل مستقل زنان با جنبش مستقل زنان اشاره کرد و گفت این جنبش عمری صد و پنجاه ساله دارد. وقتی میگوئیم جنبش مستقل زنان، این جنبش مستقل از مردان نیست و اینکه میگویند جنبش زنان برای استقلال از مردان است تهمت مردان به ماست. شادی امین یکی دیگر از زنان مبارز شرکت کننده در کنفرانس بود او که در بسیاری از کنفرانسها و سمینارهای مربوط به حقوق زنان فعالانه شرکت کرده و در این باره آثار قلمی و تصویری متعددی از خود برجای گذاشته است میگوید « رابطه بین زنان و مردان از سوی بسیاری از محققین و دست اندر کاران این گفتمان، بعنوان نابرابری صرفا حقوقی بین آنها توصیف میشود و تحت عنوان اینکه سیستم و فرهنگ مردسالار موجود این مناسبات را تضمین و بازتولید میکند و ذکر این نکته که « مردان نیز در جامعه ای که نیمی از آن تحت ستم اند و نمیتوانند بطور واقعی آزاد باشند» از پاسخ مشخص به این نکته که بالاخره در چنین فرهنگ وسیستی چه کسی ستم مبینند و چه کسی از آن بهره میبرد؟ آگاهانه طفره رفته و به تجرد و ناروشنی این بحث دامن میزنند. در مقابل این نگرش نظریه فمینیستی قرار دارد.

نظریه فمینیستی سیاسی است، یعنی هدف اش نه فقط تبیین جامعه، بلکه دگرگون کردن است. چرا که برای پایان دادن به نظام مرد سالار و لغو فرودستی زن، یعنی لغو ستم در رابطه با دوجنس اقدام میکند. ما زنان میخواهیم تصورمان از آینده را ترسیم و به اجرا در آوریم و نگذاریم باردیگر آینده بدون دخالت ما و برفراز سرمان طراحی شود.

او اضافه کرد: من این بحث را پس از بررسی دو محور دیگر یعنی ترکیب طبقاتی این جنبش و اهداف و

خواسته های آن مجددا پی خواهم گرفت
زنان شرکت کننده در این جنبش تعلقات طبقاتی گوناگونی دارند. از آنجائیکه جنبش زنان در کلیت خود یک جنبش فراطبقاتی است و به این معنی زنان از اقشار و طبقات مختلف در آن سهیم و ذینفع هستند، نمی بایست با طرح این واقعیت روشن و انکار ناپذیر یعنی اختلاف طبقاتی زنان، اهمیت مبارزه مشترک و مستقل کلیه زنان علیه مردسالاری را نفی کرده و ابتکار عمل و خلاقیت و ظرفیت

آخرین اطلاعیه های سازمان

را از آدرس اینترنت

دریافت کنید!

www.fedayi.org

برنامه آزمایشی رادیو سازمان

رادیو فدائی

صدای کارگران، فریاد زحمتکشان!

آغاز به کار کرد

www.fedayi.org



از مطالبات پناهجویان متحصن در برابر دفتر سازمان ملل در شهر اربیل دفاع کنید !

احزاب ، سازمانها و مجامع مترقی و بشر دوست !

بیش از ده روز است که صدها پناهجوی مقیم شهر اربیل کردستان، برای رسیدن به خواست های برحق شان دست به تحصن زده اند . این پناهجویان که عمدتاً زندگی خود را در راه آزادی و استقرار دموکراسی در محیط های زندگی استبداد زده خود گذرانده و بخاطر تعقیب و آزار و شکنجه و کشتار حکومت های خودکامه، کار و زندگی خود را ترک و ناگزیر از یافتن پناهگاهی برای خود هستند ، مدت هاست که در شهر اربیل در حالت بلا تکلیفی به سر میبرند . بلا تکلیفی پناهجویان متحصن در اربیل در شرایطی است که آنها از کمترین امکانات زندگی بخور و نمیر نیز برخوردار نیستند. بعلاوه شرایط ویژه منطقه نیز مزید بر علت شده است تا فشار طاقت فرسای معیشتی ، نگرانی نسبت به آینده و بی پناهی بی چشم اندازی زندگی روزمره آنان را تیره و تار سازد . از این رو پناهجویان برای رسیدن به خواست های زیر که از حقوق مسلم و برحق آنها محسوب میشود از روز سوم ژوئن در مقابل دفتر سازمان ملل دست به تحصن زده اند .

ما ضمن حمایت کامل از خواست های این پناهجویان، همه احزاب ، سازمانها و مجامع انساندوست و مدافع حقوق پناهندگی را به حمایت از خواست های پناهجویان فرا میخوانیم .

**To: Erbil, Baghdad and Geneva UNHCR
From: Iranian Remonstrating Refugees**

We, Iranian political refugees and asylum seekers registered in Erbil UNHCR, after meeting on 3rd of Jun that held by all of the refugees and asylum seekers, have decided to remonstrate in front of Erbil UNHCR till to receive our demands.

1. UNHCR must send us to the 3rd country and save us from this deadly situation.
2. UNHCR must start the second and R.R.F. interview and deliver the Geneva form send the refugees files to the 3rd country.
3. UNHCR must pay attention to our problems and observe our right as political refugees and give us material and spiritual supports.

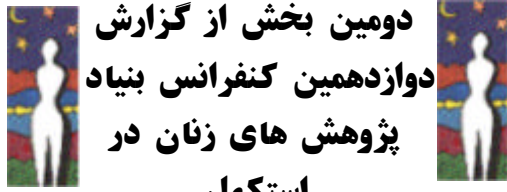
**Remonstrating Refugees Committee
Erbil 03/06/2001**

- خواست های پناهجویان عبارتند از :
- ۱- تسریع در انجام مصاحبه ها توسط (یو - ان)
 - ۲- دادن کارت قبولی و قبولی ژنو و قبولی کشور پناهنده پذیر
 - ۳- تامین امور معیشتی و درمانی و مسکن مناسب بوسیله (یو - ان) تا زمانیکه به کشور دیگری فرستاده شوند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

**اولین شماره بولتن
مباحثات برای تدارک
سیاسی نشست مشترک
نیروهای کمونیست و چپ
زیر نظر هیات تدارک کننده
این نشست منتشر شد .**

بر علیه سنگسار و کشتار زنان به اعتراض برخیزید



دومین بخش از گزارش دوازدهمین کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان در استکهلم

دوبرابر کارکنی تا بتوانی خودت را تطبیق دهی . اما این تطبیق به این معنا نیست که در راه باز گشت از کارخانه از دست جوجه نازی ها جان سالم بدربری . طبقه کارگر این جامعه نا آگاه است این سیستم در کارگران نفوذ کرده آنان حتی به حقوق خود واقف نیستند . و بورژوازی بخش های ضعیف و بد فرهنگ سرمایه داری را برده میان کارگران و آنها را تبدیل به نماینده گان بی جیره و موجب خود کرده است .

بعد از او نوبت به آذر ادیبی میرسد او که سی و هشت سال سن دارد و در کارخانه های مختلف داروسازی کار کرده است . میگوید دوازده سال است که کنفرانس برگزار میشود و این سومین سال است که زنان کارگر در آن شرکت میکنند اگر من زن کارگر بخواهم با زنان دیگر متحد بشوم آنان نمیخواهند . من از سال ۶۰ تا ۷۲ در دو کارخانه داروسازی کار کرده ام و حدود شش سال است که از مسائل کارگری ایران بدورم اما چیزی که در طی این چند سال دیدم فکر نمیکنم مشکل زن کارگر در ایران چادر باشد . مشکل زن کارگر نان شب است . مشکل زن کارگر این است که باید به بچه اش یاد بدهد گوشت برای سلامتی مضر است .

در ایران به زن کارگر اجازه داده نمیشود که شایستگی خودش را نشان بدهد . در ایران چند زن تراشکار ، جوشکار میشناسید ؟ زنان کارگر از بسیاری مهارت ها بدورند و نسبت به مردان از سطح سواد پائین تری برخوردارند . به کارهای ساده تری گمارده میشوند و مشکل دیگر آنها شیر خوارگاه است . زنان از هیچ تسهیلاتی برخوردار نیستند او باید بچه اش را به امان خدا بگذارد . در کنار بعضی

بقیه در صفحه ۶

اخبار منتشره در روزنامه های رسمی رژیم حکایت از آن دارد که امروز نیز زن دیگری بنام « مریم ایوبی » سنگسار شده و بطرز فجیعی به قتل رسید است ، مریم از جمله صدها زن ایرانی است که طی سالیان اخیر در جمهوری اسلامی به شکل فجیعی بوسیله سنگسار به قتل میرسند .

اینکه در قاموس انسانیت هرگونه قتل نفسی مذموم و محکوم است و باید بطور قطع ممنوع گردد، درست است. اما سنگسار یکی از فجیع ترین نوع کشتار بشمار میرود که گوئی عاملین آن بوئی از انسانیت نبرده اند .

در این نوع از آدم کشی ، انسان در زیر ضربات سنگ آنقدر شکنجه میبیند تا زجر کش شود . بعلاوه زجر کش کردن زنان در برابر چشم تماشاگران انجام میگردد و بی شک تاثیر ویران کننده آن بر جان و روان بیننده براحتمی از میان نمیروود و تبعات اجتماعی بیشماری را ببار میآورد .

مردم زحمتکش ایران!

زنان و مردان آزاده !

سنگسار یکی از صدهانوع حکم انسان ستیزی است که از قوانین ارتجاعی اسلام استنتاج شده و در جمهوری اسلامی بمورد اجرا گذاشته میشود . باید درمقابل این اعمال وحشیانه ایستاد و برای لغو حکم سنگسار و ممنوعیت هر نوع دیگری از احکام اعدام و کشتار انسانها، به مبارزه دست زد . ما ادامه کشتار انسانها و بویژه سنگسار را شدیداً محکوم کرده و همه مردم و بویژه زنان محروم و ستم کشیده ایران را به مبارزه جهت سرنگونی رژیم ارتجاعی و مذهبی حاکم و برقراری نظمی که در آن از شکنجه ، زندان ، اعدام و سنگسار و ستم و تبعیض اثری نباشد، فرا میخوانیم .



ما در شماره نهم نشریه جهان کمونیستی گزارش کوتاهی از اولین روز کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان در استکهلم را به اطلاع خوانندگان نشریه رساندیم و در این شماره بخش دیگری از این گزارش را باطلاع شما میرسانیم .

و اما روز دوم کنفرانس با پیام گلناز امین آغاز به کار کرد وی ضمن اشاره به مبارزه زنان ایرانی در طول تاریخ و با تجلیل از مبارزه قرتالین یکی از زنان مبارز دوره قاجار، بر علیه حجاب، اظهار داشت که متأسفانه هنوز در ایران این معضل حل نشده و زنان بجرم عشق ورزیدن سنگسار میشوند. او اصلاحات اعلام شده توسط جناح های حکومتی را غیر واقعی خواند و اعلام کرد که عقب رفتن یکی دوسانتی حجاب ربطی به رعایت کردن حقوق زنان در جمهوری اسلامی ندارد او در سخنان خود مطالبات زنان را برشمرد و از آنها به دفاع درخواست .

پس از او «ژاله احمدی» یکی دیگر از زنان مبارز که چندین سال از عمر خود را در زندان گذرانده رشته سخن را در دست گرفت . او به زندان اوین و بحث های آن دوره اشاره کرد و گفت: من به نسل گذشته تعلق دارم نه نسل بی گذشته ... من با همقطاران نومسلمان همراه نمیشوم چه بر انقلاب گذشت و چرا کار به اینجا کشید؟ و نتیجه گرفت که پاسخ باین سوالات مقدمه اتحاد آگاهانه ماست . او پروسه جنگ، مرگ خمینی و نقش وزارت ارشاد و موقعیت خاتمی را تحلیل کرد. او از جمله راجع به اتحاد آگاهانه اظهار داشت که ما زنان همگی قربانی هستیم ولی قربانی بودن به این معنی نیست که همه ما زنان از یک منظر سیاسی به مسائل نگاه میکنیم با وجودی که معتقد هستم بالاترین مقام زن در ایران باز هم یک قربانی است، اما من با هر زنی یک موضع مشترک ندارم . سپس میزگرد کارگری با شرکت آذر ادیبی ، استی پیروتی و لیلیا قرائی برگزار شد .

«استی» کارگر کارخانه فارماسیا در سوئد از وضعیت کارگران کارخانه های سوئد صحبت کرد. او گفت : تو بعنوان زن بخصوص یک زن کله سیاه باید

آدرسها و شماره فاکس

تهاس با سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

kar-Co

Box 10063

S-400 70 Göteborg/

Sweden

فاکس روابط عمومی

+ (46) 317792571

آدرس پست الکترونیکی

webmaster@fedayi.org

JAHAN - E- COMMUNISTY
JULY 2001 NO 11

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی